

تهیه و طراحی : محمد یولچی خانی



اگر این محتوا مفید بود یا اگر word این محتوا را خواستید با شماره:

« ۰۹۱۰۰۴۸۲۵۲۲ » تماس وبا واریز مبلغ دلخواه ما را یاری کنید.



## درسنامه

شیخ الرییس فلسفه

حسین بن عبدالله بن سینا که در مشرق زمین به «ابن سینا» و «ابوعلی سینا» و با القاب باشکوه «شیخ الرئیس» و «حُجَّةُ الحق» شهرت دارد و در اروپا او را «اوینسنا» و «اوینسن»<sup>۲</sup> و «شاهزادهٔ اطبا» می نامند، از داناترین و پرآوازه ترین حکما و دانشمندان ایرانی و از مشاهیر علم و حکمت در جهان به شمار می آید.

ابن سینا در سال ۳۷۰ هجری در یکی از روستاهای بخارا متولد شد.

ابن سینا در منطق و ریاضیات شاگرد ابوعبدالله ناتلی بود اما به سرعت بر معلم خویش پیشی گرفت؛ به گونه‌ای که قسمت‌های دشوار کتاب را برای استاد خود روشن می‌کرد. او از همان کودکی و نوجوانی چنان مطالعه می‌کرد و به آموختن علاقه نشان می‌داد که در شانزده سالگی بیشتر علوم زمان خود را در ریاضیات، منطق، فقه، فلسفه و طب فرا گرفت و دانشمند بزرگ زمان خود شد.

### روش ابن سینا در تحلیل مسائل فلسفی

روش ابن سینا در تحلیل مسائل فلسفی، عقلی و استدلالی است. او این روش را که ارسطو پایه‌گذاری کرد و بعدها وارد جهان اسلام شد، به اوج رساند. ابن سینا فلسفه‌مثنایی را به صورت مدون و نظام‌مند ارائه کرد.

### تالیفات

ابن سینا در طول زندگی نسبتاً کوتاه و پرماجرایی خود بیش از دویست کتاب و رساله در شاخه‌های گوناگون علم و فلسفه نوشت که برخی از آنها قرن‌ها در مراکز علمی شرق و غرب تدریس شده‌اند و برخی امروز هم تدریس می‌شوند.

### کتاب‌های زیر از مهم‌ترین آثار او هستند:

**۱ قانون:** که نوعی فرهنگ‌نامه پزشکی است، از معروف‌ترین آثار ابن سینا به‌شمار می‌رود و به زبان‌های لاتین، انگلیسی، فرانسه و آلمانی ترجمه شده است.

**۲ شفا:** این دایرةالمعارف عظیم علمی و فلسفی مشتمل بر موضوعاتی چون منطق، ریاضی، علوم طبیعی و الهی است. قسمت الهیات شفا که دربردارنده فلسفه ابن سیناست، کامل‌ترین مرجع حکمت‌مثنایی است و هم‌اکنون نیز در حوزه‌های علمی و مراکز دانشگاهی از مهم‌ترین کتب فلسفی به حساب می‌آید.

**۳ نجات:** شکل مختصر کتاب شفاست و به بیشتر زبان‌های زنده دنیا ترجمه شده است.

**۴ انصاف:** دارای بیست جزء و شامل ۲۸ هزار مسئله بوده اما در حمله غزنویان به اصفهان به غارت رفته و تنها چند جزء آن باقی مانده است.

**۵ اشارات و تنبیهات:** آخرین دیدگاه‌های ابن سینا در حکمت را شامل می‌شود.

**۶ دانشنامه علایی:** به زبان پارسی است و ابواب مختلف حکمت در آن مندرج است. این کتاب در اصفهان و برای علاءالدوله، حاکم آن شهر نوشته شده است.

### طبیعت شناسی ابن سینا

از نظر ابن سینا طبیعت مرتبه ای از هستی است که رو به مقصدی خاص دارد و این مقصد در ذات عالم طبیعت است.

علت نام گذاری این عالم به «طبیعت» بدان جهت است که اجزای این عالم، هرکدام طبع و ذات خاصی دارند و خود این عالم نیز به عنوان یک «کل» طبع و ذاتی دارد که منشأ و مبدأ حرکات و تحولات آن است.

خداوند، عالم طبیعت را با لطف و عنایت خود پدید آورده و همه اجزای آن چنان ترکیب و تألیف شده اند که بهترین نظام ممکن، یعنی نظام احسن را تحقق می بخشند.

به نظر ابن سینا طبیعت هر شیء آن را به سوی خیر و کمال مطلوبش سوق می دهد؛ به شرط اینکه مانعی در راه طبیعت قرار نگیرد.

ابن سینا از ما می خواهد که علاوه بر مطالعه عالم طبیعت، برای کشف ویژگی ها و روابط پدیده های آن در رابطه وجودی این عالم با مبدأ کل جهان هستی نیز تأمل کنیم.

از نظر ابن سینا، تأمل در رابطه طبیعت با ماوراء طبیعت و خدا در کنار تحقیق در روابط میان پدیده ها، دانشمند و محقق را از ظاهر پدیده ها عبور می دهد و به باطن آنها می رساند؛

### حکیم اشراقی

شیخ شهاب الدین سهروردی از برجسته ترین چهره های حکمت اسلامی و فرهنگ ایران زمین، در سال ۵۴۹ هجری قمری در قریه سهرورد زنجان دیده به جهان گشود. تحصیل خود را در مراغه آغاز کرد. پس از آن، به اصفهان رفت و با اندیشه های ابن سینا آشنایی کامل یافت. سپس، عزم سفر کرد و سفرهای خود را با سلوک معنوی و عرفانی درآمیخت و به مجاهدت با نفس مشغول شد. او اغلب ایام سال روزه داشت و در خلوت خود به ذکر و عبادت مشغول بود تا آنکه به مقامات عالی عرفان و برترین درجات حکمت نائل شد. در همین دوره، مهم ترین کتاب خود «حکمة الاشراق» را نوشت و مکتبی جدید را در فلسفه اسلامی ارائه کرد. سهروردی در این کتاب از شیوه مشائیان فراتر می رود و حکمت اشراقی را پایه گذاری می کند.

### پایه گذار مکتب فلسفی اشراق

شیخ شهاب الدین سهروردی با احیاء فلسفه نور و اشراق ایران باستان و تلفیق آن با عرفان اسلامی، حکمتی نو، به نام «حکمت اشراق» را پایه گذاری کرد.

حکمت اشراق نوعی بحث از وجود است که تنها به نیروی عقل و ترتیب استدلال اکتفا نمی کند بلکه آن را با سیر و سلوک قلبی نیز همراه می سازد.

فیلسوف اشراقی می کوشد آنچه را در مقام بحث و استدلال به دست آورده، با شهود قلبی و تجربه درونی دریابد و به ذائقه دل برساند و آنچه را از طریق شهود کسب کرده است، با استدلال و برهان به دیگران تعمیم دهد.

این حکمت از آن رو اشراقی خوانده شده که از ظهور و انوار عقلی و تابش آنها بر نفس انسان های کامل به دست می آید.

## اشراق نور

براساس بیانی که شیخ اشراق از مفهوم «اشراق» دارد، مفهوم «نور» را به جای مفهوم «وجود» وارد فرهنگ فلسفی خود می نماید و همه مباحث خود را پیرامون نور و مراتب آن و ظلمت و درجات آن ساماندهی می کند. شیخ اشراق مبدأ جهان و خالق هستی را نور محض می داند و او را «نور الانوار» می نامد. اشیا و دیگر از تابش و پرتو نور الانوار پدید آمده اند. پس، هر واقعیتی «نور» است اما نه نور مطلق، بلکه درجه ای است از نور. پس، تفاوت موجودات در شدت و ضعف نورانیت آنهاست. او می گوید:

«ذات نخستین، نور مطلق، یعنی خدا پیوسته نور افشانی (اشراق) می کند و بدین ترتیب، متجلی می شود و همه چیزها را به وجود می آورد و با اشعه خود به آنها حیات می بخشد. همه چیز در این جهان پرتوی از نور ذات اوست و هر زیبایی و کمالی، موهبتی از رحمت اوست و رستگاری، عبارت از وصول کامل به این روشنی است.»<sup>۴</sup>

## مشرق و مغرب در فلسفه شیخ اشراق

در فلسفه شیخ اشراق، مشرق و مغرب معنای زمینی خود را ندارند بلکه در جغرافیای عرفانی معنایی ویژه پیدا می کنند.

مشرق جهان در جغرافیای سهروردی، نور محض یا محل فرشتگان مقرب است که به دلیل تجرد از ماده، برای موجودات خاکی قابل مشاهده نیست.

مغرب کامل نیز جهان تاریکی یا عالم ماده است که بهره ای از نور ندارد. در میان مشرق محض و مغرب کامل، مغرب وسطی قرار دارد که در آن نور و ظلمت به هم آمیخته اند.

## دسته بندی جویندگان معرفت

سهروردی جویندگان معرفت را به چهار گروه تقسیم می کند:

۱ آنان که تازه عطش و شوق معرفت یافته اند و جویای آن اند؛

۲ آنان که در فلسفه استدلالی به کمالی رسیده اند ولی از ذوق و عرفان بهره ای ندارند؛

۳ آنان که به طریقهٔ برهان و فلسفهٔ استدلالی توجهی ندارند و فقط تصفیۀ

نفس می کنند و به شهودهایی دست یافته اند؛

۴ سرانجام، آنان که هم در صُور برهانی به کمال رسیده اند و هم به اشراق

و عرفان دست یافته اند. اینان حکیم متألّه اند و بهترین دسته به حساب

می آیند.

### الف) سوالات کامل کردنی :

- ۱- ابن سینا در منطق و ریاضیات شاگرد ..... بود. ( ابو عبدالله ناتلی )
- ۲- روش ابن سینا در تحلیل مسائل فلسفی، ..... و ..... است. ابن سینا فلسفه ..... را نیز به صورت مدون و نظام مند ارائه کرد. ( عقلی- استدلالی- مشائی )
- ۳- کتاب ..... : که نوعی فرهنگ نامه پزشکی است، از معروف ترین آثار ابن سینا به شمار می رود. ( قانون )
- ۴- کتاب ..... کامل ترین مرجع حکمت مشائی است. ( شفا )
- ۵- ابن سینا در طول زندگی نسبتاً کوتاه و پرماجرای خود بیش از ..... کتاب و رساله در شاخه های گوناگون علم و فلسفه نوشت. ( دویست )
- ۶- ..... شکل مختصر کتاب شفاست و به بیشتر زبان های زنده دنیا ترجمه شده است. ( نجات )
- ۸- خداوند، عالم طبیعت را با لطف و عنایت خود پدید آورده و همه اجزاء آن چنان ترکیب و تألیف شده اند که بهترین نظام ممکن، یعنی ..... را تحقق می بخشند. ( نظام احسن )
- ۹- به نظر ابن سینا طبیعت هر شیء آن را به سوی ..... و ..... سوق می دهد؛ به شرط اینکه مانعی در راه طبیعت قرار نگیرد. ( خیر - کمال مطلوبش )
- ۱۰- علت نام گذاری این عالم به ..... بدان جهت است که اجزاء این عالم، هر کدام طبع و ذات خاصی دارند. ( طبیعت )
- ۱۱- مهم ترین کتاب سهروردی ..... است. و او حکمت ..... را پایه گذاری کرد. ( حکمة الاشراق- اشراقی )
- ۱۲- ..... حکمت استدلالی ابن سینا را با چاشنی کشف و شهود قلبی به کمال رساند. او با احیاء فلسفه نور و اشراق ایران باستان و تلفیق آن با عرفان ..... را پایه گذاری کرد. ( سهروردی- حکمت اشراق )



۱۳- حکمت اشراق نوعی بحث از وجود است که تنهابه نیروی عقل و ترتیب استدلال اکتفا نمی کند بلکه آن را با ..... نیز همراه می سازد. ( **سیر و سلوک قلبی** )

۱۴- فیلسوف اشراقی می گوشت آنچه را از طریق شهود کسب کرده است، با ..... به دیگران تعمیم دهد. ( **استدلال و برهان** )

۱۵- از نظر سهروردی، تحقیق فلسفی به شیوه ..... و بدون رسیدن به ..... بی نتیجه است. ( **استدلالی محض - قلب** )

۱۶- شیخ اشراق مبدأ جهان و خالق هستی را ..... می داند و او را «.....» می نامد. ( **نور محض - نور الانوار** )

۱۷- از نظر سهروردی اشیاء از تابش و پرتو ..... پدید آمده اند. ( **نور الانوار** )

۱۸- هر واقعیتی «.....» است اما نه نور .....، بلکه درجه ای است از نور. ( **نور-مطلق** )

۱۹- مطابق نظر سهروردی تفاوت موجودات در شدت و ضعف ..... آنهاست. ( **نورانیّت** )

۲۰- آنان که هم در صور برهانی به کمال رسیده اند و هم به اشراق و عرفان دست یافته اند اینان ..... اند. ( **حکیم متأله** )

۲۱- در فلسفه شیخ اشراق، ..... و ..... معنای زمینی خود را ندارند بلکه در جغرافیای عرفانی معنایی ویژه پیدا می کنند. ( **مشرق - مغرب** )

۲۲- ..... جهان در جغرافیای سهروردی، نور محض یا محل فرشتگان مقرب است که به دلیل تجرد از ماده، برای موجودات خاکی قابل مشاهده نیست. ( **مشرق** )

۲۳- ..... کامل نیز جهان تاریکی یا عالم ماده است که بهره ای از نور ندارد. ( **مغرب** )

۲۴- در میان مشرق محض و مغرب کامل، ..... قرار دارد که در آن نور و ظلمت به هم آمیخته اند. ( **مغرب وسطی** )

۲۵- سهروردی جویندگان معرفت را به ..... گروه تقسیم می کند ( **چهار** )

۲۶- سرانجام، آنان که هم در صور برهانی به کمال رسیده اند و هم به اشراق و عرفان دست یافته اند اینان حکیم متأله هستند. ( **حکیم متأله** )

**ب) سوالات کشف ارتباط:**

الف:سوالات	ب:پاسخ ها
۱- مشرق جهان در جغرافیای سهروردی	الف) حکمة الاشراق=۴
۲- مغرب جهان در جغرافیای سهروردی	ب)سهروردی=۶
۳- بهترین نظام ممکن،از نظر ابن سینا	ج) خیر و کمال مطلوبش=۷
۴- مهم ترین کتاب شیخ شهاب الدین سهروردی	د)تنبيهات و اشارات=۸
۵- شیخ اشراق ان را مبدأ جهان و خالق هستی می داند.	ک) فلسفه مشائی=۱۰
۶-مؤلف کتاب دانشنامه علایی	ل) نور محض=۱
۷- به نظر ابن سینا طبیعت هر شیء آن را به سوی ان سوق می دهد.	م) قانون=۹
۸- آخرین دیدگاه های ابن سینا در حکمت را شامل می شود.	ه)نور محض=۵
۹- فرهنگ نامه پزشکی ابن سینا است.	و)عالم ماده-جهان تاریک=۲
۱۰- ابن سینا ان را به صورت مدون و نظام مند ارائه کرد.	ی) نظام احسن=۳

### ج) گزاره های فلسفی صحیح و غلط:

- ۱-ابن سینا در منطق و ریاضیات شاگردا بو عبدالله ناتلی بود. ( ص )
- ۲-شیخ اشراق مبدأ جهان و خالق هستی را نور محض می داند.و او را «نور الانوار» می نامد( ص )
- ۳-از نظر سهروردی اشیاء از تابش و پرتو عشق و شهود پدید آمده اند. ( غ )
- ۴-هر واقعیته «نور» است اما نه نور مطلق، بلکه درجه ای است از نور. ( ص )
- ۵-مطابق نظر سهروردی تفاوت موجودات در شدت و ضعف نورانیت آنهاست. ( ص )
- ۶-روش ابن سینا در تحلیل مسائل فلسفی، شهودی و عرفانی است. ( غ )
- ۷-ابن سینا در طول زندگی نسبتاً کوتاه و پرماجرای خود بیش از دویست کتاب و رساله در شاخه های گوناگون علم و فلسفه نوشت. ( ص )
- ۸-کتاب شفا که نوعی فرهنگ نامه پزشکی است، از معروف ترین آثار ابن سینا به شمار می رود و به زبان های لاتین، انگلیسی، فرانسه و آلمانی ترجمه شده است. ( غ )
- ۹-کتاب قانون این دایر المعارف عظیم علمی و فلسفی مشتمل بر موضوعاتی چون منطق، ریاضی، علوم طبیعی و الهی است ( غ )
- ۱۰-کتاب نجات شکل مختصر کتاب شفاست و به بیشتر زبان های زنده دنیا ترجمه شده است. ( ص )

۱۱- از نظر ابن سینا طبیعت مرتبه ای از هستی است که رو به مقصدی خاص دارد و این مقصد در ذات عالم طبیعت است. ( ص )

۱۲- خداوند، عالم طبیعت را با لطف و عنایت خود پدید آورده و همه اجزاء آن چنان ترکیب و تألیف شده اند که بهترین نظام ممکن، یعنی نظام احسن، را تحقق می بخشند. ( ص )

۱۳- به نظر ابن سینا طبیعت هر شیء آن را به سوی نابودی؛ به شرط اینکه مانعی در راه طبیعت قرار نگیرد. ( غ )

۱۴- علت نام گذاری این عالم به طبیعت بدان جهت است که اجزاء این عالم، هرکدام طبع و ذات خاصی دارند (ص)

۱۵- سهروردی حکمت استدلالی ابن سینا را با چاشنی کشف و شهود قلبی به کمال رساند. ( ص )

۱۶- حکمت اشراق نوعی بحث از وجود است که تنهابه نیروی عقل و استدلال اکتفا می کند. ( ص )

۱۷- فیلسوف اشراقی می گوشت آنچه را در مقام بحث و استدلال به دست آورده، با شهود قلبی و تجربه درونی دریابد و به ذائقه دل برساند و آنچه را از طریق شهود کسب کرده است، با استدلال و برهان به دیگران تعمیم دهد. ( ص )

۱۸- از نظر سهروردی، تحقیق فلسفی به شیوه استدلالی محض و بدون رسیدن به قلب کامل است. ( غ )

۱۹- آنان که هم در صور برهانی به کمال رسیده اند و هم به اشراق و عرفان دست یافته اند اینان حکیم متألّه اند ( ص )

۲۰- در فلسفه شیخ اشراق، مشرق و مغرب همان معنای زمینی خود را دارند. ( غ )

۲۱- مشرق جهان در جغرافیای سهروردی، نور محض یا محل فرشتگان مقرب است که به دلیل تجرد از ماده، برای موجودات خاکی قابل مشاهده نیست. ( ص )

۲۲- مغرب کامل نیز جهان تاریکی یا عالم ماده است که بهره ای از نور ندارد. ( ص )

۲۳- در میان مشرق محض و مغرب کامل، مغرب وسطی قرار دارد که در آن نور و ظلمت به هم آمیخته اند ( ص ) .

### د) سوالات تشریحی :

۱- ابوعلی سینا در مشرق زمین و در اروپا به چه القابی شناخته می شود؟

حسین بن عبدالله بن سینا که در مشرق زمین «ابن سینا» «ابوعلی سینا» «شیخ الرئیس» «حجة الحق» و در اروپا به «اوپسنا» و «اوپسن» معروف است.

۲- ابن سینا کجا و در چه سالی به دنیا آمد؟



ابن سینا در سال ۳۷۰ هجری در یکی از روستاهای بخارا متولد شد.

۳- شاگرد مهم ابن سینا کی بود؟

ابو عبید جوزجانی

۴- ابن سینا در منطق و ریاضیات شاگرد چه کسی بود؟

ابن سینا در منطق و ریاضیات شاگردا ابو عبدالله ناتلی بود.

۵- بهترین نظام ممکن، از نظر ابن سینا چه نام دارد؟

نظام احسن

۶- شیخ شهاب الدین سهروردی کجا و در چه سالی به دنیا آمد؟

شیخ شهاب الدین سهروردی از برجسته ترین چهره های حکمت اسلامی و فرهنگ ایران زمین، در سال ۵۴۹ هجری قمری در قریه سهرورد زنجان دیده به جهان گشود

۷- مهم ترین کتاب شیخ شهاب الدین سهروردی چیست؟

حکمة الاشراق

۸- مکتب شیخ شهاب الدین سهروردی چه نام دارد؟

حکمت اشراقی

۹- شیخ اشراق مبدأ جهان و خالق هستی را چه چیزی می داند؟ و آن را چه می نامد؟

شیخ اشراق مبدأ جهان و خالق هستی را نور محض می داند. و او را «نور الانوار» می نامد

۱۰- مطابق نظر سهروردی اشیاء دیگر از چه چیزی پدید آمده اند؟

اشیاء دیگر از تابش و پرتو نور الانوار پدید آمده اند.

۱۱- مطابق نظر سهروردی هر واقعییتی چیست؟

هر واقعییتی «نور» است اما نه نور مطلق، بلکه درجه ای است از نور.

۱۲- مطابق نظر سهروردی تفاوت موجودات در چیست؟

تفاوت موجودات در شدت و ضعف نورانیت آنهاست.

۱۳- ابن سینا اگر در مسئله ای حیران می ماند و بر حدّ وسط قیاس آن راه نمی برد چه کار می کرد؟

شد. اگر در مسئله ای حیران می ماند و بر حدّ وسط قیاس آن راه نمی بردم، به مسجد جامع می رفتم و نماز می گزاردم و نزد مُبدع کل، زاری و تضرّع می کردم تا آنکه بر من آشکار می گردید.

۱۴- روش ابن سینا در تحلیل مسائل فلسفی، چگونه بود؟ و چه کسی فلسفه مشائی را به صورت مدون و نظام مند ارائه کرد؟

روش ابن سینا در تحلیل مسائل فلسفی، عقلی و استدلالی است. او این روش را که ارسطو پایه گذاری کرد و بعدها وارد جهان اسلام شد، به اوج رساند. ابن سینا فلسفه مشائی را به صورت مدون و نظام مند ارائه کرد.

۱۵- ابن سینا در طول زندگی خود چند کتاب نوشت؟ تالیفات او را بنویسید.

ابن سینا در طول زندگی نسبتاً کوتاه و پرمجرای خود بیش از دویست کتاب و رساله در شاخه های گوناگون علم و فلسفه نوشت.

قانون: که نوعی فرهنگ نامه پزشکی است، از معروف ترین آثار ابن سینا به شمار می رود و به زبان های لاتین، انگلیسی، فرانسه و آلمانی ترجمه شده است.

۲- شفا: این دایر المعارف عظیم علمی و فلسفی مشتمل بر موضوعاتی چون منطق، ریاضی، علوم طبیعی و الهی است. قسمت الهیات شفا که دربردارنده فلسفه ابن سیناست، کامل ترین مرجع حکمت مشائی است و هم اکنون نیز در حوزه های علمی و مراکز دانشگاهی از مهم ترین کتب فلسفی به حساب می آید.

۳- نجات: شکل مختصر کتاب شفاست و به بیشتر زبان های زنده دنیا ترجمه شده است.

۴- انصاف: دارای بیست جزء و شامل ۲۸ هزار مسئله بوده اما در حمله غزنویان به اصفهان به غارت رفته و تنها چند جزء آن باقی مانده است.

۵- اشارات و تنبیهات: آخرین دیدگاه های ابن سینا در حکمت را شامل می شود.

۶- دانشنامه علایی: به زبان پارسی است و ابواب مختلف حکمت در آن مندرج است. این کتاب در اصفهان و برای علاء الدوله، حاکم آن شهر نوشته شده است.

۱۶- خلاصه ایی از نظریات ابن سینا در باب طبیعت را بنویسید.

الف- از نظر ابن سینا طبیعت مرتبه ای از هستی است که رو به مقصدی خاص دارد و این مقصد در ذات عالم طبیعت است.

ب- خداوند، عالم طبیعت را با لطف و عنایت خود پدید آورده و همه اجزاء آن چنان ترکیب و تألیف شده اند که بهترین نظام ممکن، یعنی نظام احسن، را تحقق می بخشند.

ج- به نظر ابن سینا طبیعت هر شیء آن را به سوی خیر و کمال مطلوبش سوق می دهد؛ به شرط اینکه مانعی در راه طبیعت قرار نگیرد.

د- ابن سینا از ما می خواهد که علاوه بر مطالعه عالم طبیعت، برای کشف ویژگی ها و روابط پدیده های آن (که به شکل گیری علوم طبیعی منجر می شود)، در رابطه وجودی این عالم با مبدأ کل جهان هستی نیز تأمل کنیم.

د-از نظر ابن سینا، تأمل در رابطه طبیعت با ماوراء طبیعت و خدا در کنار تحقیق در روابط میان پدیده ها، دانشمند و محقق را از ظاهر پدیده ها عبور می دهد و به باطن آنها می رساند؛ آنها را به خشوع و خشیت در برابر حق وا می دارد و مصداق آیه شریفه « إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ » تنها بندگان عالم خداوند خشیت او را به دل دارند می سازد.

#### ۱۷- علت نام گذاری این عالم به طبیعت از نظر ابن سینا چیست؟

علت نام گذاری این عالم به طبیعت بدان جهت است که اجزاء این عالم، هر کدام طبع و ذات خاصی دارند و خود این عالم نیز به عنوان یک «کل» و ذاتی دارد که منشأ و مبدأ حرکات و تحولات آن است.

#### ۱۸- به نظر ابن سینا طبیعت هر شیء آن را به چه سویی می برد و با چه شرطی؟

به نظر ابن سینا طبیعت هر شیء آن را به سوی خیر و کمال مطلوبش سوق می دهد؛ به شرط اینکه مانعی در راه طبیعت قرار نگیرد. حتی آنچه ظاهراً شر و بدی به نظر می رسد، مانند پژمرده شدن یک گل یا مرگ یک جاندار یا حتی وقایع ویرانگر طبیعی همچون سیل و زلزله، همگی در یک نظم کلی جهانی تأثیر مثبت دارند و به کمال نهایی طبیعت کمک می کنند. به همین جهت، با نگاه کردن به بخش کوچکی از جهان طبیعت نمی توان درباره آن داور کلی کرد؛ مثلاً زرد شدن برگ های سبز درختان در پاییز برای کسی که فقط پاییز را می بیند، حادثه ای ناگوار تلقی می شود اما کسی که چهار فصل را مشاهده می کند، می داند که پاییز نقش ویژه خود را در اعتدال طبیعت ایفا می کند.

#### ۱۹- ابن سینا از ما می خواهد که برای چه چیزی در عالم طبیعت، مطالعه کنیم؟ و همچنین ابن سینا از ما می خواهد که علاوه بر مطالعه عالم طبیعت، در چه چیز دیگری نیز تأمل کنیم؟

ابن سینا از ما می خواهد که علاوه بر مطالعه عالم طبیعت، برای کشف ویژگی ها و روابط پدیده های آن (که به شکل گیری علوم طبیعی منجر می شود)، در رابطه وجودی این عالم با مبدأ کل جهان هستی نیز تأمل کنیم.

#### ۲۰- پادشاه راستین از نظر شیخ الرئيس کیست؟

آیا می دانی پادشاه کیست؟ پادشاه راستین آن توانگر و بی نیاز مطلق است که هیچ چیز در هیچ چیز از او بی نیاز نیست. ذات هر چیزی از اوست؛ زیرا ذات هر چیز یا از او پدید آمده یا از چیزی پدید آمده که خود آن چیز را خداوند به وجود آورده است. پس، همه چیزهای دیگر بنده و مملوک اوست و او به هیچ چیز محتاج نیست.

#### ۲۱- از نظر ابن سینا، تأمل در رابطه طبیعت با ماوراء طبیعت و خدا در کنار تحقیق در روابط میان پدیده ها، چه فایده ای دارد؟

از نظر ابن سینا، تأمل در رابطه طبیعت با ماوراء طبیعت و خدا در کنار تحقیق در روابط میان پدیده ها، دانشمند و محقق را از ظاهر پدیده ها عبور می دهد و به باطن آنها می رساند؛ آنها را به خشوع و خشیت در برابر حق وا می دارد و مصداق آیه شریفه « إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ » تنها بندگان عالم خداوند خشیت او را به دل دارند می سازد.

۲۲- شیخ شهاب الدین سهروردی چگونه حکمت اشراق را پایه‌گذاری کرد؟

سهروردی حکمت استدلالی ابن سینا را با چاشنی کشف و شهود قلبی به کمال رساند. او با احیاء فلسفه نور و اشراق ایران باستان و تلفیق آن با عرفان را حکمت اشراق پایه‌گذاری کرد.

۲۳- حکمت اشراق چه نوع حکمتی است آن را توضیح دهید.

حکمت اشراق نوعی بحث از وجود است که تنهابه نیروی عقل و ترتیب استدلال اکتفا نمی‌کند بلکه آن را با سیر و سلوک قلبی نیز همراه می‌سازد. فیلسوف اشراقی می‌کوشد آنچه را در مقام بحث و استدلال به دست آورده، با شهود قلبی و تجربه درونی دریابد و به ذائقه دل برساند و آنچه را از طریق شهود کسب کرده است، با استدلال و برهان به دیگران تعمیم دهد.

۲۴- نظر سهروردی درباره شیوه تحقیق فلسفی را بنویسید.

از نظر سهروردی، تحقیق فلسفی به شیوه استدلالی محض و بدون رسیدن به قلب بی نتیجه است و سیر و سلوک روحانی و قلبی هم بدون تربیت عقلانی گمراه کننده می‌باشد.

۲۵- جویندگان معرفت از نظر سهروردی چند دسته هستند؟ آنها را بنویسید.

۱- آنان که تازه عطش و شوق معرفت یافته اند و جویای آن اند

۲- آنان که در فلسفه استدلالی به کمالی رسیده اند ولی از ذوق و عرفان بهره ای ندارند؛

۳- آنان که به طریقه برهان و فلسفه استدلالی توجهی ندارند و فقط تصفیۀ نفس می‌کنند و به شهودهایی دست یافته اند؛

۴- سرانجام، آنان که هم در صور برهانی به کمال رسیده اند و هم به اشراق و عرفان دست یافته اند. اینان حکیم متأله اند و بهترین دسته به حساب می‌آیند.

۲۶- حکیم متأله از نظر سهروردی چه کسانی هستند؟

سرانجام، آنان که هم در صور برهانی به کمال رسیده اند و هم به اشراق و عرفان دست یافته اند. اینان حکیم متأله اند و بهترین دسته به حساب می‌آیند.

۲۷- از نظر سهروردی چه حکیمی به ریاست تامه می‌رسد و خلیفه و جانشین خدا می‌شود؟

هرگاه اتفاق افتد که در زمانی حکیمی غرق در تأله بوده و در بحث نیز استاد باشد، او را ریاست تامه بوده و خلیفه و جانشین خدا اوست ... جهان هیچ گاه از حکیمی که چنین باشد، خالی نیست... ؛ زیرا برای مقام خلافت ضروری است که امور و حقایق را بی واسطه، از حق تعالی دریافت کند.

۲۸- بیان سهروردی را درباره نور مطلق بنویسید.

ذات نخستین، نور مطلق، یعنی خدا پیوسته نور افشانی (اشراق) می‌کند و بدین ترتیب، متجلی می‌شود و همه چیزها را به وجود می‌آورد و با اشعه خود به آنها حیات می‌بخشد. همه چیز در این جهان پرتوی از نور

ذات اوست و هر زیبایی و کمالی، موهبتی از رحمت اوست و رستگاری، عبارت از وصول کامل به این روشنی است.

## ۲۹- مشرق و مغرب را در در فلسفه اشراق، توضیح دهید.

در فلسفه اشراق، مشرق و مغرب معنای زمینی خود را ندارند بلکه در جغرافیای عرفانی معنایی ویژه پیدا می کنند. مشرق جهان در جغرافیای سهروردی، نور محض یا محل فرشتگان مقرب است که به دلیل تجرد از ماده، برای موجودات خاکی قابل مشاهده نیست. مغرب کامل نیز جهان تاریکی یا عالم ماده است که بهره ای از نور ندارد. در میان مشرق محض و مغرب کامل، مغرب <sup>۱</sup> وسطی قرار دارد که در آن نور و ظلمت به هم آمیخته اند.

## درس

از این نقل مختصر از زندگی ابن سینا، چه نکاتی را می توان برداشت کرد؟

تقویت عزت نفس اسلامی

الگو گرفتن از همت و پشتکار وی

آشنایی با آثار و تألیفات ایشان

توأم کردن دینداری و عقلانیت

عشق و علاقه یک دانشمند بزرگ به پیامبر اکرم و امیرالمؤمنین

## تأمل

دیدگاه ابن سینا درباره عالم طبیعت را مطالعه کنید و به سؤال های زیر پاسخ دهید.

۱- چرا ابن سینا عالم طبیعت را هدفمند می داند و برای آن هدف و مقصد قائل است؟

زیرا طبیعت اشیاء ضامن نظم و قانونمندی عالم است. بنابر نظر ابن سینا، نفی طبیعت و نفی ساختار ذاتی داشتن موجودات، به معنی نفی قانونمندی و عدم امکان پیش بینی برای اشیا و موجودات جهان است.

زیرا این عالم طبیعت مخلوق خداست و خداوند حکیم است و فعل او در نهایت حکمت و اتقان است و چون مخلوق خداست بهترین نظام و نظام احسن است.

۲- چگونه ابن سینا طبیعت را یک مجموعه دارای اعتدال و رو به کمال می داند، در عین حال که از اموری مانند مرگ، سیل، زلزله و نظایر آن هم آگاهی دارد؟

در پاسخ به سؤال دوم، باید گفت که اعتماد ابن سینا به حکمت الهی است و براساس آن اموری مانند سیل و زلزله را تبیین می کند و می گوید که این امور حتماً جایگاهی در حکمت الهی دارد.

۳- شهرت ابن سینا در طب و طبیعت شناسی کمتر از فلسفه نیست. پس، چرا نگاه او به طبیعت با نگاه کسی که فقط در زیست شناسی یا طبیعت شناسی تخصص دارد، متفاوت است؟ آیا این قبیل تفاوت ها را امروزه هم می توان مشاهده کرد؟

سؤال سوم ناظر به یک مسئله مهم است و آن اینکه آیا هر کس دانشمند علوم طبیعی مثل پزشکی و زیست شناسی شد، دیدگاه های فلسفی و الهی او تحت تأثیر آن قرار می گیرد و در حاشیه می رود؟

ابن سینا معیار و نمونه ای برای پاسخ منفی به این سؤال است؛ یعنی می توان بزرگ ترین دانشمند در علوم طبیعی بود و در عین حال صاحب یک فلسفه الهی قوی و متعالی نیز بود. دلیل آن هم بنیان های فلسفی درست ابن سیناست که می تواند میان ابعاد مختلف علمی وی هماهنگی به وجود آورد؛ مثلاً ابن سینا در عین قبول اصل تجربه برای رسیدن به علوم طبیعی، روش عقلی محض را هم قبول دارد و معتقد است که آن روش هم به نوبه خود دروازه ورود به شناخت جهان دیگر و شناخت خداوند و تأسیس یک الهیات قوی است.

دانشمندان امروزی، از آنجا که بیشتر روش تجربی را تنها روش رسیدن به علم تلقی می کنند، این زمینه برای آنها هست که به همین روش بسنده کنند و ابعاد متعالی وجود خود و جهان را نادیده بگیرند و به آن توجه نکنند یا کمتر توجه کنند.

## تفکر

ابن سینا در داستان عرفانی فلسفی «حی بن یقظان» آورده است:

«نیکویی وی پرده نیکویی ویا ست و آشکار شدن وی سبب پنهان شدن ویا ست. چنان که آفتابا گر چندا ندکی پنهان شد، بسیار آشکارا شد و چون سخت پیدا شد، اندر پرده شد. پس، روشنی وی پرده روشنی وی است» مقصود ابن سینا چیست؟ آیا می توانید آن را توضیح دهید؟

ابن سینا در این عبارت ها خداوند را توصیف می کند و عالی ترین مفاهیم عرفانی را به کار می برد.

ابن سینا می گوید زیبایی خداوند آن قدر عظیم است که انسان به عنوان یک وجود محدود توانایی مشاهده آن زیبایی مطلق را ندارد. انسان زیبایی های محدود را می تواند مشاهده کند. از این رو، خداوند را در جلوه ها و تجلی هایش می توانیم ببینیم.

## ذکر تفاوت ها

با توجه به آنچه از حکمت مشاء و اندیشه های فارابی و ابن سینا و نیز از حکمت اشراق و اندیشه شیخ اشراق بیان شد، دو تفاوت اصلی این دو حکمت را بیان کنید.



همان طور که از کلمه حکمت اشراق بر می آید، شیخ اشراق، علاوه بر استدلال که محور فلسفه است، توجهی به اشراقات معنوی و سلوک عرفانی هم کرده است. از نظر شیخ اشراق استدلال باید با سلوک معنوی همراه شود، درحالی که در فلسفه مشاء، به سلوک معنوی کمتر توجه می شود.

همچنین، فلسفه مشاء بر محور مفهوم وجود است و از اصطلاح نور کمتر استفاده می کند. اما در حکمت اشراق اصطلاح نور نقش محوری دارد و در مقابل آن، اصطلاح ظلمت را نیز به کار می برد.

سومین نکته اینکه: فلسفه مشاء از لحاظ تاریخی متصل به فلسفه ارسطو و افلاطون است. اما شیخ اشراق می گوشت که فلسفه خود را به حکمت ایران باستان منتسب کند.

## به کار ببندیم

۱- میان نام گذاری فلسفه سهروردی به «اشراق» و استفاده از مفهوم «نور» به جای «وجود» چه رابطه ای هست؟

اشراق به معنی تابیدن و تابش است، همان طور که این کلمه برای طلوع خورشید هم به کار می رود و آن جهتی که خورشید طلوع می کند را مشرق می نامند. ابن سینا و فارابی که بیشتر از لفظ وجود استفاده می کنند، بیشتر از اصطلاحاتی مانند علت و معلول و نظایر آن استفاده می کنند؛ مثلاً خداوند را *علة العلل* یا واجب الوجود می نامند. اما شیخ اشراق خداوند را نور لا نوار نامیده است.

۲- آیا فلسفه اشراق سهروردی از فلسفه خارج و وارد عرفان شده یا همچنان فلسفه باقی مانده است؟

فلسفه سهروردی با اینکه از شهود عرفانی کمک می گیرد، اما از روش فلسفی و استدلالی خارج نمی شود. شهود برای شیخ اشراق فقط جنبه الهام بخشی دارد. ایشان هر موضوعی را که از طریق شهود دریافت کرده کوشش می کند که در قالب استدلال فلسفی ارائه دهد و از این طریق وارد فلسفه خود نماید.